



با وجودی که محله فردوسی از سال ۹۲ به شهر پیوسته هنوز آب این محله بین شهر و روستا بلا تکلیف است

کاسه صبر مردم از بی آبی لبریز شده



از زمستان وضعمان همین است. آب قطع و وصل می شود. اما دیگر از اول تابستان خشک شده و همان یک ذره هم نمی آید. زندگی مان مختل شده. واقعا داریم تحمل می کنیم. نمی دانیم چه کار کنیم؟

شیماسیدی - زمستان سال گذشته در اوج برف و باران، اولین گزارش را از مشکل کم آبی محله فردوسی چاپ کردیم. در آن گزارش سری به مخزن آب محله زدیم و با مشاهده عمق کم آن هشدار دادیم که تابستان امسال برای اهالی محله فردوسی تابستان سختی خواهد بود؛ حرفی که خیلی واضح بود و پیش بینی هم محسوب نمی شد. از ابتدای تابستان با وجود پیام های همسایگان فردوسی درباره بی آبی، به پهمانه قول های مسئولان درباره واگذاری آب محله به آبفای شهری ظرف امروز و فردا، تعدا دست دست کردیم شاید که مشکل حل شود و این بار بتوانیم به جای گله و شکایت، خبر خوش «وصل شدن آب محله فردوسی به آبفای شهری» را چاپ کنیم. اما گویا این خبر قصد ندارد در وی صفحات روزنامه نقش ببندد. کشف و قوس های اداری و اختلافات سازمانی، این مشکل را تا انتهای فصل تابستان پیش برد و کام مردم را خشک کرد. آب و فاضلاب روستایی می گوید این منطقه شهری شده، پس تأمین آب آن هم بر عهده آبفای شهری است. از آن سو آبفای شهری مدعی است که هنوز دو «روستای طوس سفلی و اسلامی» به صورت رسمی تحویل آب و فاضلاب شهری داده نشده اند و مسئولیت آن با آب و فاضلاب روستایی است. حالا مردم محله فردوسی، تشنه میان دعوای بین سازمانی مانده اند!



«کاسه صبر مردم از بی آبی لبریز شده است»

تصور کنید در دمای ۴۰ و چند درجه تابستان امسال، آب خوردن نداشته باشید، کولر را نتوانید روشن کنید، از ماشین لباس شویی تان نتوانید استفاده کنید، حمام نتوانید بروید، هر دوسه روز یکبار هم مجبور باشید برای مصرفتان، آب تانکری را که نمی دانید دقیقا از کجا آمده، به قیمت ۵۰ هزار تومان بخرید و بچفتان هم با خوردن آن بیمار شده و هزینه در مان هم به سبد خالی خانوارتان افزوده شود! این داستان تابستان امسال اهالی محله فردوسی بود؛ داستانی بسیار غم بار که اگر یک ساعت آن برای هر کدام از ما رخ می داد، طاقتمان طاق می شد اما اهالی این محله کم بر خوردار، در کنار مشکلات دیگری چون خاکی بودن خیابان ها، نبود در مانگاه، کمبود اتوبوس واحد... صبوری کردند. مسئولان قول امروز و فردا را برای وصل شدن آب محله به آبفای شهری دادند و بدین منوال زمستان را به انتهای تابستان وصل کردند، اما حالا دیگر کاسه صبر مردم از بی آبی لبریز شده است، چنان که وقتی چهارشنبه گذشته قدم به محله گذاشتیم، بناگاه جمعیتی چنده نفری دوره مان کردند و هریک به نحوی از مشکل کم آبی در طول تابستان گفتند. به ادای برخی اهالی محله فردوسی به ویژه ساکنان خیابان امام رضا (ع)، آن ها از ماه مبارک رمضان دیگر طعم آب محله شان را نچشیده اند. دستمان را می گیرند و با خود به خانه شان می برند. لباس های کودک شده روی هم، ظرف های نشسته و شیر آب خالی را نشانمان می دهند و می خواهند که در هوای گرم تابستان بدون آب و کولر نفس بکشیم. مردی که دور بین را دستمان می بیند، می گوید: «ما دیگر مسلمان نیستیم! آخر وقتی ۲۰ روز توانی حمام بروی، چه مسلمانی هستی؟ ظهر می خواهیم دست نماز بگیریم آب نداریم، شب می خواهیم دست نماز بگیریم، آب نداریم. گناه ما گردن شماست.»

«خرید ماهانه ۳۰۰ هزار تومانی آب تانکری

آن ها که وضع مالی شان بهتر است، هر چند روز، یک

تانکر آب به قیمت ۵۰ هزار تومان می خرند؛ البته آن هم چه آبی؟ زنی می گوید: «بسریم با خوردن این آب اسهال شده و تب کرده. معلوم نیست آب را از کجا می آورند؟ اما چه کنیم که ناچاریم همین آب را بخریم و مصرف کنیم. ماه گذشته ۳۰۰ هزار تومان پول برای همین آب تانکری دادیم. علاوه بر این برای آب نداشته، قبض هم برایمان صادر می شود که البته چون روستایی است، رقمش ناچیز است.» یکی دیگر از خانم ها با تأکید بر چندین ماهه بودن مشکل کم آبی می گوید: «از زمستان وضعمان همین است. آب قطع و وصل می شود، اما دیگر از اول تابستان خشک شده و همان یک ذره هم نمی آید. زندگی مان مختل شده. واقعا داریم تحمل می کنیم. نمی دانیم چه کار کنیم؟ آن ها که وضعشان بهتر است، با تانکر آب می خرند یا پمپ می گذارند و سر صبح که فشار آب بیشتر می شود، همه آب را می کشند، اما ما که پولمان به خرید آب با تانکر و پمپ نمی رسد، باید با تشنگی سر کنیم. نهایت کاری که می کنیم، این است که برویم از دم باغ فردوسی کمی آب برداریم.»

«انگار در این منطقه باید برای دریافت تک تک حقوق شهروندی مان تجمع کنیم!»

اهالی محله فردوسی یاد گرفته اند که برای دستیابی به تک تک حقوق شهروندی شان تجمع کنند. سیستم آن ها را چنین بار آورده، چرا که جز این نتیجه نمی گیرند. یکی می گوید: «سه ماه است که بی آبی را تحمل می کنیم و چیزی نمی گوئیم، اما انگار تحمل کردن فایده ندارد. باید مانند مشکل گاز مان دوباره دسته جمعی اعتراض کنیم. گاز را هم تا وقتی مردم خودشان جمع نشدند دم این اداره و آن اداره، کسی برای ما کاری نکرد؛ البته اعتراض هم که می کنیم، می گویند مردم محله فردوسی یاغی اند! شما بگویید چه کنیم؟ اگر همین اتفاق، تنها دوساعت برای یکی از محلات بالاشهر افتاده بود، تا الان وزیر کشور را هم باز خواست می کردند اما ما چطور؟ هیچ کس به فکر ما نیست.»